

# درآمدی بر فلسفه علم

رضا حبیبی

زیر نظر:

اکبر میر سپاه

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱۳۸۶

## فهرست مطالب

۱۳	مقدمه معاونت پژوهش
۱۷	مقدمه نگارنده
	درس اول: مفهوم‌شناسی علم و فلسفه
۲۸	۱. معانی اصطلاحی علم
۲۹	۱-۱. علم به معنای «اعتقاد یقینی»
۳۰	۱-۲. علم به معنای «مجموعه‌ای از قضایای تنظیم شده حول محوری واحد»
۳۱	۱-۳. علم به معنای «قضایای کلی تنظیم شده حول محوری واحد»
۳۲	۱-۴. علم به معنای «مجموعه گزاره‌های کلی حقیقی تنسيق شده حول محوری واحد»
۳۳	۱-۵. علم به مفهوم «مجموعه قضایای کلی حاصل از کاوش‌های تجربی»
۳۴	۲. معانی اصطلاحی فلسفه
۳۵	۲-۱. متافیزیک (مابعد الطبیعه، فلسفه اولی)
۳۶	۲-۲. فلسفه به معنای «هر نوع فعالیت عقلانی و فراتجربی»
۳۸	خلاصه درس
۴۰	پرسش‌ها
۴۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
	درس دوم: تعریف فلسفه علم
۴۵	۱. تعریف فلسفه علم
۴۸	۲. تفاوت‌های علم درجه دوم با علم درجه اول
۴۸	۲-۱. تفاوت در متعلق یا موضوع
۴۸	۲-۲. تفاوت در روش
۴۹	۲-۳. تفاوت در نوع نگاه آن‌ها به نظریات غلط
۵۰	۲-۴. جایگاه تاریخ علم در علوم درجه اول و دوم
۵۲	۳. موضوع فلسفه علم

۵۲	.....	۴. فایده فلسفه علم
۵۴	.....	خلاصه درس
۵۷	.....	پرسش‌ها
۵۸	.....	منابعی برای مطالعه بیشتر
درس سوم: روش تحقیق در علوم تجربی		
۶۳	.....	الف) اصول حاکم بر تحقیق آزمایشی
۶۳	.....	۱. تکرار پذیر بودن آزمایش
۶۴	.....	۲. تصادفی ساختن
۶۵	.....	۳. کنترل موضعی
۶۶	.....	ب) مراحل یک آزمون تام
۶۷	.....	۱. مرحله وجودهای هم زمان
۶۷	.....	۲. مرحله حذف‌های هم زمان
۶۸	.....	۳. مرحله تغییرات هم زمان
۷۰	.....	خلاصه درس
۷۲	.....	پرسش‌ها
۷۲	.....	منابعی برای مطالعه بیشتر
درس چهارم: فرایند تحقیق		
۷۵	.....	مقدمه
۷۶	.....	۱. مراحل حل مسأله
۷۷	.....	۱-۱. تعریف موضوع پژوهش (تعریف متغیرها)
۷۸	.....	۲-۱. مشخص کردن دامنه پژوهش
۸۰	.....	۲. مشخص کردن جهت تحقیق و ویژگی مورد پژوهش
۸۲	.....	۳. تدوین فرضیه
۸۲	.....	۳-۱. طرح مسأله و جایگاه سؤال در پژوهش
۸۳	.....	۳-۲. ارائه فرضیه
۸۴	.....	۳-۳. ویژگی‌های یک فرضیه مناسب
۸۵	.....	۴. تعمیم داده‌ها

۸۹..... خلاصه درس

۹۱..... پرسش‌ها

۹۲..... منابعی برای مطالعه بیشتر

درس پنجم: نسبت سنجی و مقایسه متافیزیک و علوم تجربی

۹۶..... ۱. تبیین رابطه موضوع علوم تجربی و متافیزیک

۹۹..... ۲. مقایسه متافیزیک با علوم تجربی از لحاظ روش

۹۹..... مقدمه: اقسام روش‌های استدلال

۱۰۰..... الف) سیر از جزئی به جزئی

۱۰۰..... ب) سیر از جزئی به کلی (استقرا)

۱۰۳..... ج) سیر از کلی به جزئی

۱۰۴..... د) جمع‌بندی مقایسه روش فلسفه و علم

۱۰۵..... ۳. مقایسه فلسفه و علوم تجربی از حیث مبادی تصویری و تصدیقیه

۱۱۰..... ۴. مقایسه قوانین فلسفی و علمی

۱۱۲..... خلاصه درس

۱۱۴..... پرسش‌ها

۱۱۵..... منابعی برای مطالعه بیشتر

درس ششم: پوزیتیویسم (اثبات‌پذیری)

۱۱۹..... مکاتب فلسفه علم

۱۱۹..... مقدمه

۱۲۳..... ۱. پوزیتیویسم منطقی

۱۲۳..... مقدمه

۱۲۵..... الف) مبانی تحقیق‌پذیری شدید

۱۲۵..... ۱. تقدم مشاهده بر نظریه

۱۲۶..... ۲. انحصار واقع‌نمایی در حوزه حس و تقلیل معرفت واقع‌نما به شناخت‌های حسی

۱۲۸..... ۳. پوچ‌انگاری و مهمل تلقی کردن مدعیات متافیزیکی

۱۳۱..... ۴. تفکیک فلسفه از متافیزیک و تبیین کارکرد آن

۱۳۲..... ۵. امکان اثبات کلیت و قطعیت قواعد و ارتقا از سطح گزاره‌های شخصی

۱۳۵..... خلاصه درس

۱۳۷..... پرسش‌ها

درس هفتم: تأييد پذيري

۱۴۲..... ۱. ابهامات و اشکالات مربوط به معيار معناداري در حوزه گزاره‌هاي تجربي

۱۴۴..... ۲. مشکلات و نارسايي‌هاي ناظر به حوزه تصديقات

۱۴۷..... ۳. شکل‌گيري نظريه تأييد پذيري از کارل همپل

۱۵۰..... خلاصه درس

۱۵۲..... پرسش‌ها

درس هشتم: نقد مباني پوزيتويسم

۱۵۵..... مقدمه

۱۵۵..... نقد و بررسي بيروني مباني پوزيتويسم

۱۵۵..... ۱. ماهيت پارادوکسيکال نظريه تحقيق پذيري

۱۵۶..... ۲. ناممکن بودن توجيه مطابقت معرفت حصولي با عالم واقع

۱۵۸..... ۳. پیامدهای حس‌گرایی

۱۵۸..... ۳-۱. حذف مفاهيم کلی از حوزه مباحث و جایگزین کردن اصطلاح «کلی‌نما» به جای آن

۱۵۹..... ۳-۲. طرد قوانین کلی به علت نفی مفاهيم کلی

۱۶۰..... ۳-۳. مواجهه «بديدار شناسانه» با واقعیت‌های عيني

۱۶۲..... خلاصه درس

۱۶۳..... پرسش‌ها

درس نهم: نظريه ابطال پذيري

۱۶۷..... نظام معرفت‌شناسي ابطال‌پذيري

۱۶۸..... مباني مکتب ابطال‌گرایی

۱۶۸..... الف) توسعه دایره گزاره‌های معنادار

۱۶۸..... ب) ابطال‌پذيري، معيار تحديد علم تجربي

۱۷۲..... ۳. آميختگي گزاره‌هاي مشاهداتي با پيش‌فرض‌ها و تقدم فرضيه بر مشاهده

۱۷۳..... ۴. حدود اعتبار قوانين علمي از دیدگاه ابطال‌گرایی

۱۷۵..... ۵. پیشرفت علم از دیدگاه ابطال‌گرایی

۱۷۶	۶. اصلاح نظریه در ابطال‌گرایی
۱۷۷	۷. شرط عدم اصلاحات موضعی
۱۷۸	۸. نقش شدت ابطال‌پذیری در اصلاح نظریات و پیشرفت علم
۱۷۹	۹. شرایط ابطال‌پذیری بیشتر
۱۸۱	خلاصه درس
۱۸۲	پرسش‌ها
۱۸۳	منابعی برای مطالعه بیشتر

درس دهم: نقد ابطال‌پذیری

۱۸۷	نقد‌های ابطال‌گرایی
۱۸۸	۱. نقد رئالیسم انتقادی
۱۸۸	۱-۱. ناکارآمدی معیار نقد‌پذیری برای توجیه گزاره‌های متافیزیکی
۱۸۹	۱-۲. دور در «نقد‌پذیری به منزله معیار عقلانیت»
۱۹۰	۲. جامعیت نداشتن معیار ابطال‌پذیری برای نقد برخی حوزه‌های معرفتی
۱۹۰	۲-۱. نقد ناشی از گزاره‌های وجودی
۱۹۱	۲-۲. ناکارآمدی ابطال‌پذیری برای نقد اجزای یک نظام معرفتی
۱۹۳	۳. غیریقینی و خط‌پذیر بودن گزاره‌های ابطال‌کننده
۱۹۴	۴. پناه بردن به قراردادگرایی و مواضعه در مبانی معرفت‌شناسی
۱۹۵	۵. تعبیر و تفسیر گزاره‌های حسی
۱۹۶	۶. مسأله محیط آزمون و قوانین حاکم بر آزمایش
۱۹۸	خلاصه درس
۱۹۹	پرسش‌ها
۲۰۰	منابعی برای مطالعه بیشتر

درس یازدهم: ساختار انقلاب‌های علمی

۲۰۷	تفاوت رویکرد کوهن با پوزیتیویسم و ابطال‌گرایی
۲۰۸	۱. مبانی مکتب ساختار انقلاب‌های علمی
۲۰۹	۱-۱. مرحله پیش علم
۲۱۱	۱-۲. فرایند گذر از پیش علم به علم عادی

- ۲۱۴..... ۱-۳. شکل‌گیری علم عادی یا علم هنجاری
- ۲۱۵..... ۱-۴. تعریف پارادایم
- ۲۱۷..... ۱-۵. بحران و انقلاب
- ۲۱۹..... خلاصه درس
- ۲۲۱..... پرسش‌ها
- ۲۲۲..... منابعی برای مطالعه بیشتر
- درس دوازدهم: نقد نظریه ساختار انقلاب‌های علمی
- ۲۲۵..... نقد و بررسی دیدگاه کوهن
- ۲۲۵..... الف) نکات مثبت دیدگاه کوهن
- ۲۲۶..... ۱. عوامل روان‌شناختی
- ۲۲۹..... ۲. مبادی جامعه‌شناختی
- ۲۳۰..... ب) پیامدهای معرفت‌شناختی
- ۲۳۱..... موانع معرفت‌شناختی
- ۲۳۴..... ج) کاستی‌های نظریه کوهن
- ۲۴۰..... خلاصه درس
- ۲۴۱..... پرسش‌ها
- ۲۴۲..... منابعی برای مطالعه بیشتر
- درس سیزدهم: مکتب بر ضد روش
- ۲۴۵..... مکتب بر ضد روش (مکتب فلسفه علم فایرینت)
- ۲۴۷..... ۱. نفی ضرورت تطابق نظریه‌ها با داده‌های مشاهداتی
- ۲۵۰..... ۲. اصرار دانشمندان بر نظریه‌های خود با وجود شواهد کمی و کیفی بر ضد آن
- ۲۵۳..... ۳. ضرورت بهره‌گیری از روش‌های تحقیق متعارض در مقام گردآوری برای پیشرفت علم
- ۲۵۴..... ۳-۱. نفی چارچوب مشخص در مقام داوری
- ۲۵۶..... ۳-۲. نفی استقرا به عنوان تنها روش تحقیق علمی و تأکید بر «ضد استقرا»
- ۲۵۸..... ۴. ضرورت تفکیک نهاد علم از سیاست و نظارت دولت بر نهاد علم
- ۲۶۱..... خلاصه درس
- ۲۶۲..... پرسش‌ها

درس چهاردهم: نقد مکتب فایرابنت

۱. مکتب بر ضد روش، ثمره طبیعی سیر انحطاط فلسفه علم در جهان غرب	۲۶۷
۲. پذیرش نسبیّت تمام عیار در همه عرصه‌های معرفت بشری	۲۶۹
۳. نفی برتری داده‌های تجربی بر اسطوره و سحر (فراورده‌های پیش علم به اصطلاح کوهن)	۲۷۲
۴. خلط بین روش و فن در مکتب فایرابنت	۲۷۴
۵. مواجهه ایدئولوژیک با تحقیقات تجربی	۲۷۷
خلاصه درس	۲۸۲
پرسش‌ها	۲۸۳

درس پانزدهم: جمع‌بندی

مقدمه	۲۸۷
الف) مروری بر مهم‌ترین مشکلات و نارسایی‌های موجود در حوزه مکاتب فلسفه علم معاصر	۲۸۷
۱. رویکرد حصرگرایانه	۲۸۸
۲. احساس استغنا از مبانی ما بعدالطبیعی و بی‌پشتوانه شدن علوم تجربی	۲۸۸
۳. سیال بودن و بی‌ثباتی نظریه‌های حاکم بر آن	۲۸۹
۴. خلط رویکرد علت‌گرایانه با دلیل‌گرایانه	۲۹۱
۵. اتخاذ رویکرد پراگماتیستی در نقد و ارزیابی نظریه‌ها	۲۹۲
ب) برخی راهبردهای مهم برای پرهیز از گرفتار شدن در دام نسبیّت و شکاکیت	۲۹۳
۱. تفکیک سطوح معرفت از لحاظ ارزش معرفت‌شناختی آن	۲۹۳
۲. چندلایه‌ای بودن معرفت و ذومراتب بودن آن	۲۹۴
۳. ضرورت مواجهه نظام‌مند در تحلیل نظریه‌ها و بررسی پدیده‌ها	۲۹۵
۱-۳. روش تجزیه‌ای	۲۹۵
۲-۳. روش نظام‌مند	۲۹۶
الف) تعریف نظام	۲۹۸
ب) خصوصیات نظام	۲۹۹
خلاصه درس	۳۰۱
پرسش‌ها	۳۰۲
منابعی برای مطالعه بیشتر	۳۰۳



## مقدمهٔ معاونت پژوهش

حقیقت؛ اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت و چه شیرین‌حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وامدار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصهٔ نظر و عمل، کمر همت، محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند. در این میان، نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی او برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه، رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیرهٔ آن پیشوایان و عرضهٔ آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت، هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفتهٔ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشند. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند و می‌روند تا با فعالیت‌های روزافزونشان، مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازیابند؛ ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرز و بوم، آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته است و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند.

در این زمینه، کمتر می‌توان رد پای ابتکارات، به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب، راهی طولانی و پرچالش در پیش است؛ از این روی، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازماندهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آن‌ها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی، به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>۳</sup> در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مد ظله العالی» از آغاز تأسیس، بر اساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران. در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بخدمت‌الله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حلد توان خویش به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو فلسفه علم که با تلاش پژوهشگران ارجمند آقایان، رضا حبیبی و محمد شجاعی شکوری و راهنمایی و نظارت جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای اکبر میرسپاه آغاز شد و در ادامه برای تسریع در کار و یکنواخت شدن قلم، همه متن به قلم آقای رضا حبیبی نگارش یافت. هدف از تدوین این کتاب، آشنایی دانش پژوهان با مسائل اساسی و ساختار فلسفه علم و مکاتب مهم آن با نگرش انتقادی و مبتنی بر مبانی فلسفه اسلامی است. گفتنی است این کتاب به گونه‌ای تألیف شده است که برای سایر علاقه‌مندان و کنجکاوان مباحث نظری، به‌ویژه در حوزه مباحث عقلی، مفید و سازنده باشد.

معاونت پژوهش از پژوهشگران، نگارنده و ناظر محترم و جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای غلامرضا فیاضی، جناب آقای دکتر محمد فنایی اشکوری، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدی علیپور کلانی و جناب آقای سید محمدتقی موحد ابطحی که مطالعه بخش‌هایی از کتاب را تقبل کردند و با ارائه راهنمایی‌های سودمندشان بر اتقان و غنای آن افزودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعال خواستار است.

#### معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه نگارنده

یکی از مهم‌ترین بخش‌های رایج از گذشته‌های دور دز علوم اسلامی، تفکیک مبادی علوم از خود علم و تبیین مبادی تصویری و تصدیقیه آن، پیش از پرداختن به خود آن بوده است. برخی موضوعات که در بخش مبادی، بدان‌ها توجه می‌شد عبارت بودند از: تعریف موضوع علم، فایده و غرض آن، تعریف خود علم و رابطه آن با سایر علوم و کیفیت تمایز آن‌ها از همدیگر؛ اما هیچ علمی وجود نداشت که متکفل تبیین کامل این موضوعات و عهده‌دار توضیح دقیق و عمیق این دسته از مسائل باشد.

گسترده‌گی و تنوع علوم از یک‌سو و تخصصی شدن آن‌ها از سوی دیگر، سبب تفکیک حوزه‌های مختلف علوم و شکل‌گیری رشته‌های علمی خاص شد که از جمله آن‌ها متدولوژی و فلسفه علم بود. از دیگر عواملی که باعث اهتمام روزافزون اندیشمندان جدید به فلسفه علم شد، بی‌اعتنایی و بی‌مهری آن‌ها به مسائل عقلی بود، مگر آن مسائلی که فایده عملی مشخص داشتند.

مهم‌ترین پیامد رویکرد عملگرایانه به علوم در حوزه علوم عقلی، توجه ویژه به شیوه تحقیق تجربی و روش بهره‌گیری از قوای حسی برای فهم عالم طبیعت و سپس کشف قانونمندی‌های حاکم بر آن بود. بدیهی است که سیطره بر هر موجودی و از جمله عالم طبیعت، مستلزم کشف قوانین حاکم بر آن و مهار طبیعت بر اساس قواعد جاری در آن است. به این ترتیب، لزوم نگاه برون‌علمی و فراتجربی به علوم تجربی،

برای اثبات مبادی و اصول موضوعه، استخراج شیوه پژوهش، رابطه هر علم با سایر علوم و... یک امر اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رفت.

معرفتی که با استفاده از یک شیوه و از طریق یک قوه و مجرای ادراکی خاصی به دست آمده است، شیوه اثبات یا رد آن نیز باید تابع نحوه فهم واقعیت از طریق آن مجرا و قوه ادراکی باشد. اگر نکته‌ای را قوه عقلی انسان به دست آورده باشد، راه اثبات یا رد آن نیز از طریق همان قوه است و اگر از مجرای حسی برای فرد پدیدار شده است، شیوه اثبات یا ابطال آن، بهره‌گیری از شیوه تجربی و روش مشاهده است؛ زیرا هر علمی با توجه به ماهیت گزاره‌های آن، شیوه خاصی را برای گردآوری و اسلوب ویژه‌ای را برای داوری جهت نفی و اثبات مسائل آن اقتضا می‌کند. نه یک مسأله عقلی از طریق مشاهده، اثبات یا نفی می‌شود و نه یک قانون تجربی از طریق تأملات عقلی قابل اثبات است و در نهایت برای فهم و داوری در حوزه گزاره‌های تاریخی چاره‌ای جز بهره‌گیری از شیوه نقلی نیست.

بدین ترتیب برای ساماندهی به روش گردآوری اطلاعات و ارزیابی حدود اعتبار داده‌های موجود در یک علم، علم جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت که از آن تحت عنوان فلسفه علم یاد می‌شود. این شاخه معرفتی در حوزه تمدن اسلامی در ضمن سایر علوم و در مقدمه آن‌ها تحت عنوان مبادی تصویری و تصدیقیه بررسی می‌شد. به همین دلیل، تفکیک آن مباحث و ارائه آن در قالب یک حوزه معرفتی با دشواری‌های خاصی مواجه بوده و هست. تردیدی نیست که وقتی یک علم در یک فرهنگ بومی نشده و به جزئی متلائم با سایر اجزای حوزه معرفتی آن فرهنگ تبدیل نشده باشد، گزینش مجموعه‌ای از مسائل آن و گزاره‌ها با هدف تدوین کتاب درسی با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود.

مشکلات موجود بر سر راه تدوین کتاب درسی در زمینه فلسفه علم به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: مشکلات محتوایی و دسته دوم: مشکلات صوری و شکلی.

از مهم‌ترین مشکلات محتوایی، به ناسازگاری مباحث مطرح شده در منابع موجود بنا مبانی اندیشه دینی و فلسفی اسلام، ترویج شکاکیت، اکتفا به طرح نظریه‌ها بدون ارائه تعریف روشنی از ماهیت فلسفه علم، به ویژه شاکله و چارچوب آن، بومی نبودن نظریه‌ها و ... می‌توان اشاره کرد.

اما مهم‌تر از آن، نارسایی‌های صوری و شکلی آن‌ها است. اغلب این کتاب‌ها برای عموم دانشجویان، تدوین نشده و نویسندگان، آن‌ها را برای دانشجویان رشته فلسفه علم تدوین کرده‌اند. به تعبیر دیگر، همان گونه که اشاره شد، نوع مباحثی که در این علم مطرح می‌شوند، از مباحث عام همه رشته‌ها بزرگ‌تر است و همه دانشجویان، نیازمند آشنایی اولیه با این طیف از مباحث هستند. بدین ترتیب، چنانچه جهت‌گیری مؤلف در تدوین و طرح این دسته از مباحث، ناظر به گروهی خاص از دانشجویان رشته خاص باشد به صورت طبیعی، پاسخگویی نیاز همه دانش‌پژوهان نخواهد بود.

رعایت نکردن موازین کتاب درسی، مانند: مشخص نبودن اهداف تدوین کتاب به صورت عام و هر درس به صورت خاص و یا تصریح نشدن به آن، نبود تمرین‌های پایانی، مشخص نبودن فعالیت‌های تکمیلی و رعایت نکردن اصول تدوین، از قبیل: اصل ساده به سنگین، اصل توالی و ... نمونه‌هایی از کاستی‌های این کتاب‌ها محسوب می‌شوند.

بیان مشکلات و نارسایی‌های پیش گفته، نه به معنای نادیده انگاشتن زحمات نویسندگان و مؤلفان پیشین است و نه به مفهوم برطرف شدن همه کاستی‌های مذکور در نوشته کنونی است؛ بلکه بیشتر به معنای بیان دورنمای تدوین یک متن درسی مناسب و ضرورت توجه به همه ابعاد کتاب درسی مناسب در فلسفه علم است. متن حاضر، در حقیقت به منزله گام‌های اولیه در مسیر رسیدن به نقطه مطلوب برای تدوین کتاب و متون آموزشی در این بخش حساس است. تردیدی نیست که در این بخش نیز همانند سایر حوزه‌ها و بلکه تا حدی حساس‌تر و بکرتر از سایر جاها، ابتدا باید دورنما و نقطه مطلوب به روشنی مشخص و به وضوح بیان شده، معین شود. گام بعد که

اهمیت آن به مراتب بیشتر از تعیین غایت مطلوب است، طراحی گام‌ها و مراحل رسیدن به نقطه مطلوب است؛ زیرا در خیلی از موارد یا نقطه مطلوب به روشنی تبیین نمی‌شوند و یا بدتر از آن، پس از مشخص شدن غایت مطلوب، چون گام‌های متوالی برای رسیدن به آن طراحی و تدوین نمی‌شوند، اغلب برنامه‌ریزان عموماً در همان گام اول درجا می‌زنند و به همین مقدار دل خوش می‌کنند که گامی در این راه برداشته‌اند.

همین امر، سبب روزمرگی در برنامه‌ریزی، ناهماهنگی با پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های موجود و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای زمانه می‌شود. نتیجه طبیعی آن هم، احساس ناتوانی دین و یا متولیان امور دینی در پاسخگویی به نیازها و توقعات موجود و سرانجام افسردگی و سرخوردگی مخاطبان و در نهایت رویگردانی از دین و نهاد متولی آن می‌شود. نبود نگاه توسعه‌گرا، مستلزم نبود راهبرد رو به بهبود کردن برنامه‌ها و دریافت بازخورد مکرر برای اصلاح آن و حرکت رو به جلو با هدف دستیابی به اهداف مطلوب، طی مراحل مختلف است. فقدان نگاه توسعه‌گرا، باعث عقیم ماندن برنامه‌ای در بخش‌های مختلف و از جمله در بخش تدوین متون می‌شود. برای نمونه، مراحل ذیل، گام‌هایی پیشنهادی برای رسیدن به هدف مطلوب در بخش تدوین متون درسی فلسفه علم هستند:

۱. غنی‌سازی و متقن‌تر کردن مباحث موجود در این کتاب از طریق مستند کردن به منابع انگلیسی؛
۲. تشکیل گروه پژوهشی در حوزه فلسفه علم با هدف واگذار کردن تدوین مباحث هر مکتب و یا حداقل مکاتب همسو به یک نفر یا یک گروه؛
۳. برپایی مطالعات لازم در حوزه فلسفه علوم انسانی و تدوین متن درسی مشترک برای همه شاخه‌های علوم انسانی از طریق طرح مباحث مشترک فلسفه علوم انسانی در بین همه رشته‌ها؛
۴. تدوین کتاب‌های درسی فلسفه علم، ناظر به رشته‌های خاص، از قبیل: فلسفه علم اقتصاد، فلسفه علم سیاست، فلسفه علم روان‌شناسی و ...؛

۵. راه‌اندازی یک رشته تخصصی فلسفه علوم انسانی با هدف پشتیبانی فلسفه‌های مضاف در رشته‌های مختلف با رویکرد تخصصی و گرایش ویژه فلسفه علوم انسانی؛

۶. ...

منظور از بیان مراحل پیشین، تصلب بر پیشنهاد مذکور نیست؛ بلکه مقصود، بیان این واقعیت است که اولاً: باید هدف نهایی از راه‌اندازی یک رشته و حتی ورود یک شاخه معرفتی در لابه لای برنامه درسی به وضوح تمام بیان شود؛ ثانیاً: باید گام‌های متوالی برای رسیدن به آن به دقت طراحی و تدوین شوند؛ ثالثاً: لازم است که امکانات و شرایط مادی و معنوی و نیروهای انسانی لازم برای پیمودن این راه دشوار، شناسایی و سازماندهی شوند و در اختیار دست‌اندرکاران برنامه‌هایی از این قبیل قرار گیرند و در نهایت برای بهبود آن، باید نظارت و ارزشیابی مکرر و دریافت بازخورد برای اصلاح برنامه‌های جاری، امری اجتناب‌ناپذیر دانسته شود. امید است خدای متعال ما را در پیمودن این راه دشوار مدد رساند.

در پایان، لازم می‌دانم از کسانی که در تدوین این اثر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اثرگذار بوده‌اند، از جمله همکار محترم جناب آقای محمد شجاعی شکوری و اساتید محترم، آقایان: حجت الاسلام و المسلمین میرسپاه، حجت الاسلام و المسلمین فیاضی، حجت الاسلام و المسلمین رجبی و دکتر فنایی قدردانی و تشکر کنم. در این بین، بیش از همه، استاد محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای میرسپاه در همه شرایط، پیگیر و مشوق ما در شکل‌گیری این اثر بودند و با مطالعه و دقت نظر و راهنمایی‌های ویژه، باعث اتقان این اثر شدند.

از دست‌اندرکاران مدیریت تدوین متون، به ویژه جناب حجت الاسلام آقای حسینی نیز تشکر می‌کنم که با صبر، حوصله، پیگیری مجدانه و هماهنگی‌های لازم، راه را برای به نتیجه رسیدن این اثر هموار کردند.

خدای متعال همه ما را در راه جلب رضایت خود موفق فرماید.

رضا حبیبی